

متن پرسش

با سلام و احترام خدمت استاد: در بحث عقل تکنیک بنده چندین سوال دارم اما از آن جایی که جلسه آخر بحث به سینما کشیده شد و بنده چندان اهل سینما نیستم نمی‌دانستم چطور این سوالات را مطرح کنم که در جریان بحث باشد. در قالب یک پیام سواله‌هایم را می‌نویسم هرچند فکر می‌کنم بیان شفاهی آنها بهتر اصل سوال را منتقل کند. اگر سوالات را مناسب بحث یافتید بفرمایید تا در شرایطی مناسب به بحث گذاشته شود. ۱. برای تفصیل معنای تاریخی بودن عقل تکنیک می‌توانم سوالم را مصداقی در مورد قنات بپرسم، آیا قنات را می‌توان برخاسته از عقل تکنیک دانست یا چون مربوط به زمان گذشته است نمی‌توان آن را به عقل تکنیک نسبت داد؟ یا می‌توان آن را از وجه به استقبال طبیعت رفتن و عطایی بودنش، در مناسبات عقل تکنیک دید اما از وجه عدم تناسب با نیاز و مصرف امروزی فارق از آن دید؟ یا ... ۲. سوال دوم مربوط به نسبت ما با علمی ست که سابقه خوبی ندارند و با ظلم های عدیده ای حاصل آمده، مثلاً علوم شناختی و مغز و اعصاب که حاصل آزمایش های ناجوانمردانه ای ست که بر اسرای جنگی صورت گرفته، در دایره عقل تکنیک تعامل ما با این علوم چه وجهی دارد؟ ۳. بحث خیال در عقل تکنیک را چگونه می‌توان ادامه داد تا به معنای مناسب آن دست یافت؟ ۴. در کل عقل تکنیک چه نسبتی با انسان امروز دارد؟ آیا انسان امروز، یعنی دانشجو و حتی فنی کار در صحنه می‌توانند این نحو حضور خود را یافت کنند یا صرفاً بخشی از جامعه مستعد آن هستند؟ آیا با تذکر به این قابلیت به مخاطب ظلم می‌شود زیرا مالایطاق است یا این که از اتفاق چون تذکری به آن داده نشده مردم به آن هوشیار نیستند؟ در واقع سوالم از معنای آینده است که در بیانات شما بود، این که چگونه باید برای امری که تا این حد در صحنه است افقی ترسیم کرد که کارگر و دانشجو خود را در آن بیابد؟ (البته سوالم از چگونگی، سوال روشی به معنای متداولش نیست، بلکه از وجه تحقق این نحو حضور است، زیرا اگر این مباحث برای انسان در صحنه امروز است که از اتفاق نشانه های آن را در طلب انسان امروزی می‌توان یافت، چگونه باید آن را پای آن ایستاد؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بجهت فهم بهتر سوال و جواب برای کاربران گرامی، متن جواب به همراه متن سوالات آورده میشود:

۱. برای تفصیل معنای تاریخی بودن عقل تکنیک می‌توانم سوالم را مصداقی در مورد قنات بپرسم، آیا قنات

را می‌توان برخاسته از عقل تکنیک دانست یا چون مربوط به زمان گذشته است نمی‌توان آن را به عقل تکنیک نسبت داد؟ یا می‌توان آن را از وجه به استقبال طبیعت رفتن و عطایی بودنش، در مناسبات عقل تکنیک دید اما از وجه عدم تناسب با نیاز و مصرف امروزی فارق از آن دید؟ یا ...

جواب: در این‌که ما با به ظهور آوردن پدیده قنات برکات بهترین تعامل با طبیعت را نشان دادیم؛ بحثی نیست. ولی آن عقل بنا نداشت تکنیک بسازد و با طبیعت مطابق آن تکنیک تعامل کند. سعی کرد استعداد طبیعت را به سوی مزرعه جهت دهد. ولی در تاریخی که «وجود» به صورت عقل تکنیکی به میان آمده، بنا بر آن است که چیزی از دل طبیعت خلق شود و امری را از طبیعت متولد کند که آن امر در ضمن، نمایانگر حقیقت باشد که در پنهان طبیعت نهفته است و این یعنی انکشاف برای رویارویی با حقیقت که البته در حجاب گشتل از بین رفت.

۲. سوال دوم مربوط به نسبت ما با علومی است که سابقه خوبی ندارند و با ظلم‌های عدیده‌ای حاصل آمده، مثلاً علوم شناختی و مغز و اعصاب که حاصل آزمایش‌های ناجوانمردانه‌ای است که بر اسرای جنگی صورت گرفته، در دایره عقل تکنیک تعامل ما با این علوم چه وجهی دارد؟

جواب: به نظر بنده این نوع فعالیت‌ها در راستای عقل تکنیکی نیست. اینان به نحوی به طبیعت تجاوز می‌کنند زیرا حکمت جستجوی حقیقت که همان روبه‌رو شدن با نفس ناطقه در تعامل با بدن باید پیش آید در این علوم حاکم نیست.

۳. بحث خیال در عقل تکنیک را چگونه می‌توان ادامه داد تا به معنای مناسب آن دست یافت؟

جواب: باید حساس بود که با وجهی و بُعدی به نام «خیال» که در انسان هست، با امور مواجه شد به همان معنایی که در روایت خود داریم قرآن علاوه بر عبارات کتاب خدا، همان کلمات به اموری بسی بالاتر اشاره دارد. نمونه آن را در عرایضی که اخیراً در بحث سوره «تین» شد می‌توانید ملاحظه کنید.

۴. در کل عقل تکنیک چه نسبتی با انسان امروز دارد؟ آیا انسان امروز، یعنی دانشجو و حتی فنی‌کار در صحنه می‌توانند این نحو حضور خود را یافت کنند یا صرفاً بخشی از جامعه مستعد آن هستند؟ آیا با تذکر به این قابلیت به مخاطب ظلم می‌شود زیرا مالایطاق است یا این که از اتفاق چون تذکری به آن داده نشده مردم به آن هوشیار نیستند؟ در واقع سوالم از معنای آینده است که در بیانات شما بود، این که چگونه باید برای امری که تا این حد در صحنه است افقی ترسیم کرد که کارگر و دانشجو خود را در آن بیابد؟ (البته سوالم از چگونگی، سوال روشی به معنای متداولش نیست، بلکه از وجه تحقق این نحو حضور است، زیرا اگر این مباحث برای انسان در صحنه امروز است که از اتفاق نشانه‌های آن را در طلب انسان امروزی می‌توان یافت، چگونه باید آن را پای آن ایستاد؟

جواب: به نظر بنده با نظر به جواب اول و رویکرد شاعرانه به عالم و آدم، بشر امروز نیاز به این عقل که

تقدیر او است، دارد. باید متذکر آن امر شد و احساس می‌شود شرایط گفتگو از آن در حال فراهم‌شدن است. موفق باشید